

ایرج نعیمائی احوال و آثار یاقوت مستعصمی

شهرت یاقوت مستعصمی آن‌چنان است که به اسطوره شباهت یافته است: خود او مثال خوشنویسان و خط او مثال خوشنویسی است و او را قبله خوشنویسان خوانند. با این حال، اهمیت او فراتر از حسن خط است: یاقوت در دوره یورش مغولان می‌زیست؛ به همین سبب، او نیز، چون استاد خود، صفی‌الدین ارموی، از نظر نقشی که در انتقال فرهنگ اسلامی به دوره مابعد مغول داشته است در تاریخ فرهنگ اسلام و ایران جایگاهی ممتاز دارد. مقاله حاضر به بررسی زندگی و استادان و شاگردان و شیوه خوشنویسی و آثار او اختصاص دارد.

در قرن هفتم هجری قمری، علم و ادب و عرفان اسلامی تحول یافت و در عرصه های فرهنگ و هنر، علمایی بزرگ پرورش یافتند و هر یک از آنان آثار و اختراعات ارزشمندی به جامعه فرهیخته آن زمان تقدیم کرد. در این عصر، در هر گوشه از سرزمین اسلامی، شخصیت‌هایی در حوزه علم و ادب ظهور کردند که برای همیشه، نامشان زبانه مردم خواهد بود؛ کسانی چون سعدی و مولوی و خواجه نصیر طوسی. هنر خوشنویسی نیز همچون بقیه هنرها در این دوران به رشد و بالندگی رسید و خوشنویسان بزرگی ظهور کردند که یکی از آنان یاقوت بن عبدالله، معروف به یاقوت مستعصمی، ملقب به جمال‌الدین و مکنّا به ابوالدر، بود. یاقوت مستعصمی بی‌شک یکی از مشاهیر

خوشنویسی در تاریخ هنر اسلامی است. ابن مقله و ابن بواب و یاقوت و میرعماد از مشهورترین خوشنویسان تاریخ‌اند که همه، به جز یاقوت، ایرانی‌اند و یاقوت نیز دست‌پرورده ایرانیان است؛ چنان‌که استادان او، ابن‌حبيب و صفی‌الدین ارموی، ایرانی‌اند و شاگردانش نیز اکثراً ایرانی‌اند. عصری که یاقوت در آن پا به عرصه گیتی نهاد از اعصار مهم تاریخ اسلام و ایران است. از وقایع این عصر، که اثری فراوان در سرنوشت کشورهای اسلامی داشته است، می‌توان بدینها اشاره کرد:

۱) پیدایش سلسله مغولان و تسلط آنان بر ممالک اسلامی و کشتار و غارت در ممالک اسلامی؛

۲) فروپاشی سلسله عباسیان و قتل مستعصم، آخرین خلیفه عباسی، در ۶۵۶ ق؛

۳) ادامه و خاتمه جنگهای صلیبی؛

۴) فروپاشی فرقه اسماعیلیه؛

۵) کاهش قدرت اهل سنت و گرایش مردم به تشیع و افزایش قدرت شیعیان و نفوذ ایشان در دربار مغولان و ایلخانان؛

۶) اسلام آوردن مغولان و گرایش آنان به تشیع.^۱

مسلم آن است که یاقوت غلامی بوده که مستعصم او را خریده و در دربار او تربیت و پرورش یافته است.^۲ لذا درباره نژاد و اصالت یاقوت اطلاعات دقیقی در دست نیست. برخی او را حبشی^۳ و برخی دیگر رومی^۴ و اکثراً افریقایی دانسته‌اند. آنچه از متون تاریخی برمی‌آید این است که سیاه‌پوست بوده و بنابراین، احتمال اینکه افریقایی بوده باشد بیشتر است. درباره خانواده او نیز اطلاع دقیقی در تاریخ نیست؛ ولی در تمام منابع، نام پدر وی «عبدالله» ذکر شده است؛ به جز یک منبع، که در آن پدر یاقوت «عبدالله مستعصمی» نامیده شده است.^۵ در اغلب منابع آمده است که یاقوت غلام مستعصم بود و خلیفه او را خرید و بنا به میل خویش پرورش داد و او با طی مدارج کمال و ترقی در هنر خوشنویسی شهره خاص و عام شد.^۶ یاقوت، حداقل در قبل از ورود به دربار خلیفه، مانند همه افراد عادی و طبقات پایین جامعه آن زمان گم‌نام بوده است. لذا درباره او و خانواده‌اش سندی وجود ندارد.

۱) نک: فرهاد بخشنده، تاریخ مختصر جهان اسلام، (تهران، مهیا، ۱۳۷۶)؛ استانی لین بل و دیگران، تاریخ دولتهای اسلامی و خاندانهای حکومتگر، ترجمه صادق سجادی، (تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳)، ج ۲، فصل مغول.

۲) صلاح‌الدین منجد، «یاقوت مستعصمی: یاقوت نامی برای چند خوشنویس»، ترجمه آصف فکرت، مشکوة، ش ۳۰ (بهار ۱۳۷۰)، ص ۱۱۲؛ حبیب‌الله فضایی، اطلس خط، (اصفهان، مشعل، ۱۳۵۵)، ص ۳۱۳.

۳) قاضی میراحمد منشی قمی، گلستان هنر، با مقدمه و تصحیح احمد سهیلی خوانساری، (تهران، کتاب‌فروشی منوچهری، ۱۳۶۶)، ص ۱۹؛ مصطفی عالی افندی، مناقب هنروران، ترجمه توفیق ه. سبحانی، (تهران، سروش، ۱۳۶۹)، ص ۳۸.

۴) حبیب‌الله فضایی، اطلس خط، ص ۳۱۴؛ صلاح‌الدین منجد، «یاقوت مستعصمی»، ص ۱۱۲.

۵) صلاح‌الدین منجد، همان، ص ۱۱۲.

۶) حبیب‌الله اصفهانی، تذکره خط و خطاطان، ترجمه رحیم چاوش‌اکبری، (تهران، کتابخانه مستوفی، ۱۳۶۹)، ص ۳۱۱.

تاریخ تولد یاقوت نیز در هیچ یک از منابع موجود به دقت نیامده است.^۷ اگر مدت عمر او را بر اساس استنادات تاریخی ۸۹ سال بدانیم و سال وفاتش ۶۹۸ ق باشد، وی در حدود سالهای ۶۰۹-۶۱۰ ق تولد یافته است که مقارن با دهه پایانی خلافت ابوالعباس احمد الناصر لدین الله، سی و چهارمین خلیفه عباسی، است.^۸

علی‌رغم ابهامات موجود درباره تاریخ ولادت یاقوت، مدت عمر و سال وفات او تقریباً روشن است. ابن فوطی نوشته است: «یاقوت را در کودکی مستعصم خرید و او در دارالخلافة تربیت یافت.» بنابراین اگر مستعصم یاقوت را در زمان آغاز خلافت خود، ۶۴۰ ق، یا پس از آن خریده و در این سالها یاقوت کودک بوده باشد، ولادت او در سالهای ۶۳۰ تا ۶۴۰ ق بوده است؛ و چنانچه خلیفه عباسی قبل از آغاز خلافت خود یاقوت را خریده باشد، قطعاً ولادت او قبل از سال ۶۳۰ ق بوده است. نام یاقوت در اکثر منابع «جمال‌الدین» ضبط شده و غالباً «جمال‌الدین» و «یاقوت مستعصمی» با هم آمده است؛ ولی به نظر می‌رسد که نام او «یاقوت» و لقبش «جمال‌الدین» بوده باشد. همچنین «قبلة الکتاب» به عنوان لقب وی آمده است؛^۹ و «یاقوت» نامی ویژه بردگان بوده^{۱۰} و احتمالاً «یاقوت» به بردگان سیاه‌پوست اطلاق می‌شده است، کما اینکه اطلاق کلمه «یاقوتی» به انگور قهوه‌ای هنوز رواج دارد. بنابراین می‌توان احتمال داد که سایر کسانی که به «یاقوت» اشتها داشت‌اند برده بوده‌اند و این نام برای تمیز بردگان از افراد آزاد بوده است.

در منابع، دو کنیه برای یاقوت ذکر شده است: «ابوذر» یا «ابوالدر»، «ابومجد»؛ و جالب آنکه این کنیه‌ها را برای یاقوتهای دیگر نیز ذکر کرده‌اند. کنیه «ابوالدر» فقط در یکی از قرآن‌نوشته‌های یاقوت در ادامه نام او آمده است.^{۱۱} نکته جالب در همانمان یاقوت است که تقریباً معاصر او بوده‌اند؛ و همین امر سبب شده که بعضی از مورخان درباره مدت عمر یاقوت دچار اشتباه شوند و آن را در حدود ۲۰۰ سال نیز تخمین بزنند! در این باره صلاح‌الدین منجد در مجله مشکوة بحث روشنی کرده است. در تاریخ، چهار تن از خوشنویسان بزرگ نامشان

۷) مصطفی عالی‌افندی، مناقب هنروران، ص ۳۸.

۸) صلاح‌الدین منجد، «یاقوت مستعصمی»، ص ۱۰۹؛ حبیب‌الله فضایی، اطلس خط، ص ۳۱۳.

۹) همان، ص ۱۱۳؛ مصطفی عالی‌افندی، مناقب هنروران، ص ۱۲۳؛ حبیب‌الله فضایی، اطلس خط، ص ۳۱۴؛ قاضی میر احمد منشی قمی، گلستان هنر، ص ۲۰-۲۳.

۱۰) صلاح‌الدین منجد، «یاقوت مستعصمی»، ص ۱۱۲.

۱۱) حبیب‌الله فضایی، اطلس خط، ص ۳۱۴-۳۱۵.

«یاقوت» و نام پدرشان «عبدالله» و کنیه سه نفر از آنان «ابوالدر» بوده که همین سبب اشتباه محققان شده است:

۱) یاقوت موصلی، که پیش از دیگران در گذشته است. یاقوت بن عبدالله موصلی ملکی (منتسب به ملک‌شاه سلجوقی) ملقب به امین‌الدین بوده است. یاقوت حموی (۵۷۴-۶۲۶ق) درباره او می‌نویسد: کاتب و نحوی و ادیب بود؛ در خوشنویسی و استواری خط، پیرو شیوه ابن‌بواب، یگانه روزگار، بود. یاقوت حموی می‌افزاید: کتابهای بسیاری در دست مردم به خط او دیدم که دست به دست می‌گردانیدند و بهای گران بر آن می‌نهادند. در میان آنها، نسخه‌هایی از صحاح جوهری (۳۹۸ یا ۴۰۰ق) و مقامات حریری (۴۴۶-۵۱۶ق) بود. یاقوت موصلی در کهن‌سالی، در سال ۶۱۸ ق، درگذشت.^{۱۲}

۲) یاقوت رومی، ابوالدر یاقوت بن عبدالله رومی، ملقب به «مهدب‌الدین»، پس از یاقوت موصلی درگذشت. او رومی‌نژاد و زاده روم بود. یاقوت حموی می‌گوید: از ادیبان و شاعران بزرگ روزگار بود. در بغداد پرورش یافت. قرآن را از بر کرد و در مدرسه نظامیه به کسب دانش پرداخت و در آنجا علوم عربی و ادبی را فرا گرفت. پس به شعر رغبت کرد. خط و ضبطی نیک داشت. دیوان اشعاری لطیف از او به جای مانده است. گفته‌اند وفاتش در ربیع‌الآخر ۶۲۲ ق بوده است.^{۱۳}

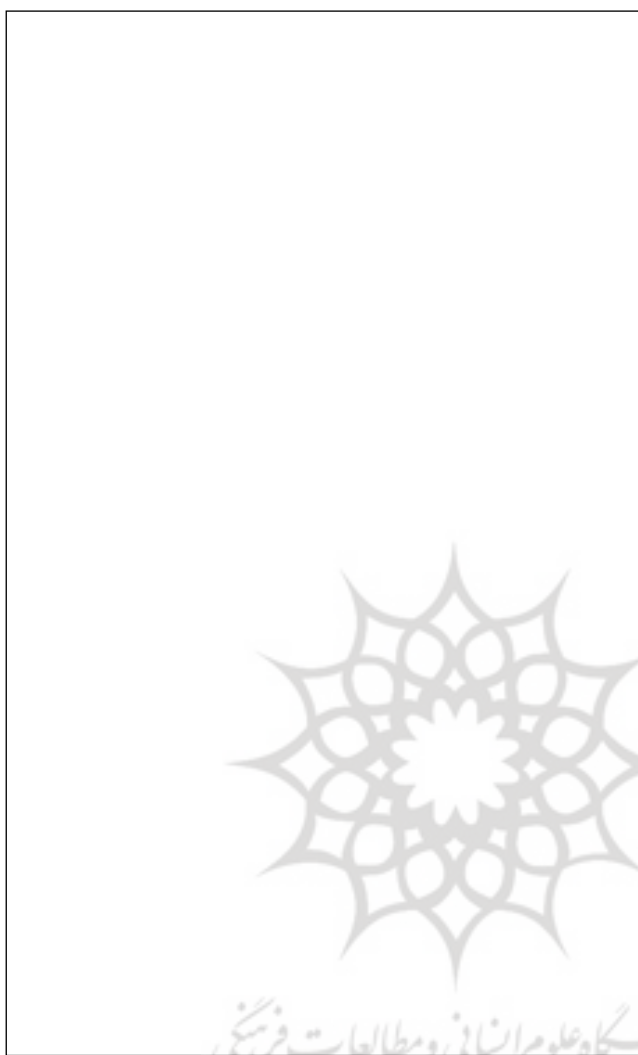
۳) یاقوت حموی پس از یاقوت رومی درگذشت. لقب او «شهاب‌الدین» بود. ابن‌خلکان (۶۰۸-۶۸۱ق) می‌نویسد که در کودکی در دیارش اسیر شد؛ و مردی بازرگان به نام عسکر بن نصر ابراهیم حموی وی را خرید و به نزد نویسندگان برد و از او در ضبط امور تجاری‌اش استفاده کرد. یاقوت حموی چون بزرگ شد مقداری نحو و لغت خواند و پس از واقعه‌ای آزاد شد. پس از آن، به کتابت پرداخت. المعجم البلدان، المعجم الادب، المشترك وضعاً و المفترق صقلاً، المبدأ و المال، المعجم الشعراء از تألیفات اوست.^{۱۴}

۴) یاقوت مستعصمی، که این مقاله درباره اوست. به گمان نگارنده، چون آنان از کودکی برده بوده و نام واقعی

۱۲) صلاح‌الدین منجد، «یاقوت مستعصمی»، ص ۱۰۷.

۱۳) همان‌جا؛ حبیب‌الله اصفهانی، تذکره خط و خطاطان، ص ۶۲.

۱۴) صلاح‌الدین منجد، «یاقوت مستعصمی»، ص ۱۰۸.



پدرانشان معلوم نبوده، پدران همه آنان را «عبدالله»، یعنی بنده خدا،
نامیده‌اند؛ کما اینکه در نام ایشان نیز می‌توان وجهی مشابه یافت.^{۱۵}
استادان یاقوت دو قسم‌اند: اول، استادان متقدم، که یاقوت هرگز
آنان را ملاقات نکرده و از روی خط ایشان مشق کرده است، مثل
(۱۵) همان، ص ۱۰۷-۱۰۹.

- ابن مقله و ابن بواب؛^{۱۶} دوم، استادانی که یاقوت مستقیماً از آنها تعلیم گرفته است. عموم مورخان اذعان دارند که استادان مستقیم یاقوت قطعاً دو کس بوده‌اند: (۱) عبدالمؤمن صفی‌الدین ارموی، کاتب و ادیب و موسیقی‌دان بزرگ تاریخ اسلام؛ (۲) ابن حبیب.^{۱۷} مسلم آن است که یاقوت از صفی‌الدین تعلیم گرفته و سپس در نزد ابن حبیب مشق کرده است. صفی‌الدین ارموی نه تنها استاد یاقوت، بلکه استاد کسانی بوده که به شاگردی یاقوت منسوب‌اند؛ مثل احمد بن سهروردی. بنابراین اولین و مهم‌ترین استاد یاقوت صفی‌الدین ارموی بوده است. ذهبی در تاریخ الاسلام در احوال صفی‌الدین نگاشته است: عبدالمؤمن بن یوسف بن فاخر ارموی گنجور کتابخانه مستعصم خلیفه بود. او توجهی بسیار به موسیقی داشت و کتاب *الادوار و الايقاع و کتاب الموسیقا*، که عبارت است از رساله *الشرقیة فی النسب التألیفیة*، تألیف اوست و اثر اخیر را برای شرف‌الدین هارون، فرزند محمد جوینی وزیر، تألیف کرد. او در خوشنویسی نیز استاد بود و در ۶۹۳ق درگذشت.
- زندگی یاقوت را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:
- دوره اول، از تولد تا سال ۶۴۰ق، که دوران گمنامی یاقوت بوده و احتمالاً از حدود ۶۱۰ق آغاز شده است و معلوم نیست در بغداد زندگی می‌کرده یا در جایی دیگر؛
- دوره دوم، دوره حیات و زندگی تربیتی یاقوت، شامل سالهایی که در دربار خلیفه عباسی در بغداد بوده و آغاز آن احتمالاً ۶۴۰ق و پایان آن انقراض حکومت عباسیان و مرگ خلیفه عباسی در سال ۶۵۶ق بوده است؛ ظاهراً در این دوره، او تحت نظر خلیفه عباسی تربیت شده و احتمالاً خوشنویسی را در نزد عبدالمؤمن صفی‌الدین ارموی و عبدالله بن حبیب آموخته و با ابن‌العلقمی، وزیر مستعصم، آشنا شده است؛ این دوران سالهای خوش زندگی یاقوت بوده که در ناز و نعمت می‌زیسته است؛
- دوران سوم، از سال ۶۵۶ق تا پایان حیات، یعنی ۶۹۶ یا ۶۹۸ق؛ با سقوط حکومت عباسیان و تسلط مغولان، آزادی یاقوت نیز ممکن شد؛ ظاهراً در این دوران نیز، یاقوت در بغداد می‌زیسته است؛ او در این
- (۱۶) حبیب‌الله فضایی، تعلیم خط، (تهران، سروش، ۱۳۶۰)، ص ۷۸.
- حبیب‌الله فضایی، *اطلس خط*، ص ۳۱۴.
- صلاح‌الدین منجد، «یاقوت مستعصمی» ص ۱۱۴؛ عبدالله اصفهانی، *تذکره خط و خطاطان*، ص ۶۴-۶۶؛ قاضی میراحمد منشی قمی، *گلستان هنر*، ص ۱۹؛ آنه‌ماری شیمل، خوشنویسی و فرهنگ اسلام، ترجمه اسدالله آزاده، (مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸)، ص ۵۰.
- (۱۷) عبدالرزاق بن احمد بن فوطی، *الموادت الجامعة و التجارب النافعة فی المائة السابعة*، به تصحیح مصطفی جواد و محمدرضا الشیبی، (بغداد، مکتبه‌الریبه، ۱۳۵۱ق)، ص ۵۰۰.
- ابن شاکر، *فوات النویات*، (قاهره، مکتب النهضة العربیة، ۱۹۵۱)، ج ۲، ص ۳۹؛ محمدبن احمد ذهبی، *تاریخ اسلام (نسخه خطی)*، (استانبول، کتابخانه ایاصوفیه)، ص ۳۰۱۴، برگ ۲۸۱؛ صلاح‌الدین منجد، «یاقوت مستعصمی»، ص ۱۱۴-۱۱۵؛ حبیب‌الله فضایی، *اطلس خط*، ص ۳۱۳؛ محمدعلی سلطانی، «قبلة الكتاب: یاقوت مستعصمی»، *چلیپا*، سال ۱، ش ۳ (بهار ۱۳۷۱)، ص ۱۵.

سالها خوشنویسی را با جدیت بیشتر پی گرفت و جلسات درسی برای بزرگان بغداد دایر کرد؛ و علاوه بر آن، در دستگاه وزیران مغولان، برادران جوینی، مقام و منزلتی والا یافت و بجز آموختن خوشنویسی به فرزندان آنان، گنجوری کتابخانه مستنصریه بغداد را عهده دار شد. شاگردان یاقوت جملگی از پرورش یافتگان همین دوران اند. با استناد به تواریخ، عمده آثار یاقوت حاصل همین دوران از زندگی اوست. با توجه به تاریخ آثار و سال وفات یاقوت، احتمالاً، او در دو سه سال پایانی عمر آثار چندانی کتابت نکرده و علت آن ظاهراً ضعف بینایی و جسمانی او بوده است.

درباره مذهب یاقوت اظهار نظر قطعی بسیار مشکل است؛ چون در هیچ یک از منابع درباره مذهب او مطلبی نیامده است. لذا به ناچار باید از قراین دیگر برای کشف این موضوع کمک گرفت. از جمله آثاری که می توان از آنها برای تشخیص گرایش یاقوت به تشیع یا تسنن کمک گرفت عبارت است از:

- (۱) صحیفه سجادیه ای که نگارش آن منسوب به یاقوت و مورخ به ۶۸۴ق است و اکنون در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می شود؛^{۱۸}
- (۲) ذکر مشهور «ناد علیاً مظهر العجائب» و دیگر اذکار شیعی، که یاقوت نگاشته و هم اکنون موجود است؛^{۱۹}
- (۳) امضاهای یاقوت در پایان آثارش.

به اینکه یاقوت صحیفه سجادیه کتابت کرده در بعضی منابع اشاره شده است؛ از جمله در مقاله آقای محمدعلی سلطانی در فصلنامه چلیپا با عنوان «قبلة الکتاب: یاقوت مستعصمی».

دلیلی دیگر بر گرایش مذهبی یاقوت نوشتن ذکر «ناد علیاً» به دو خط ثلث و نسخ است. مضمون این ذکر اظهار ارادت و علاقه مندی به حضرت علی (ع) است:

بسم الله الرحمن الرحيم
 ناد علیاً مظهر العجائب / تجذهُ عَوْناً لَكَ فِي التَّوَابِ / علیُّ حُبُّ جَنَّةِ /
 قسیمُ الثَّارِ وَ الجَنَّةِ / وصیُّ المصطفی حقی / امام الإنس وَ الجنَّةِ /

(۱۸) همان، ص ۱۴.

(19) see: Abolala Soudavar, *Art of the Persian Courts: Selections from the Art and History Trust Collection*, with a contribution by Milo Cleveland Beach, (New York, Rizzoli, 1992).

كُلُّهُمْ و غَمٌّ سَيُّجَلِي بَوْلَاتِكَ يَا عَلِيَّ يَا عَلِيَّ يَا عَلِيَّ / بِحَقِّ اسدالله
الغالب / الغالب في كلِّ الغالب/عليّ بن ابي طالب.

امضاهای یاقوت در بعضی از آثار او اطلاعات ذی‌قیمتی از این
حیث در اختیار ما می‌گذارد. البته بحث تفصیلی در این باره نیازمند
مجال بیشتری است. اگر مجموعه نسخه‌های امضادار را اصل فرض
کنیم و هیچ‌گونه خدشه‌ای را در آنها وارد ندانیم؛ در ۴۰ امضا، که بنده
و آقای امین نعیمایی بررسی کرده‌ایم، اسامی و القاب و عبارات به کار
رفته در آنها و تعداد هر یک بدین شرح بوده است: «یاقوت» در ۳۷
امضا؛ نام «مستعصمی» در ۲۲ امضا؛ عبارت «حامداً لله» در ۱۹ امضا؛
کلمات «نبیه» یا «محمد نبیه» یا «نبیه محمد» در ۱۷ امضا؛ «آله»، «آله
الطیبین» و «آله الطیبین الطاهرین و مسلماً» در ۳ امضا؛ «صحابه» در ۳
امضا؛ نام پدر یاقوت، «عبدالله»، در ۱ امضا؛ القاب «قبلة الكتاب» و
«جمال‌الدین» و «ابوالدر» هر یک در ۱ امضا.

تحلیل این عبارات با توجه به تاریخ کتابت هر نسخه گرایش
فکری و مذهبی و حتی اجتماعی یاقوت را به خوبی نشان می‌دهد.
استفاده از تخلص و صفت و عبارات تحسینی در گذشته رایج بوده و
به خصوص، در کتب فقهی و کلامی، هر تعبیر معنی خاصی داشته
است؛ مثلاً عبارت «خالف بعضهم» در ظاهر یعنی «مخالفت کردند»،
ولی اصطلاحاً به معنی مخالفت اهل سنت بوده است. بدین جهت هر
یک از کلمات «آل»، «آله»، «صحابه»، «مسلماً»، «نبیه»، اضافه بر معنای
لغوی، معنای اصطلاحی داشته که حاکی از مذهب و طریقت نویسنده
آن بوده و تمسک و عنایت نویسنده را به اندیشه و مذهب خاصی بیان
می‌کرده است. براساس همین نوشته‌های یاقوت در امضاها می‌توان
چنین نتیجه گرفت:

- ۱) او نام «یاقوت» را برای خود بیش از هر نام دیگری می‌پسندیده و از
اینکه «یاقوت» نام وی در دوران کودکی یا نامی برای بردگان بوده
خجل نبوده و گذشته و اصالت خویش را فراموش نکرده بوده و هرگز
قصد مخفی کردن هویت خود را نداشته است؛
- ۲) با اینکه قریب به اتفاق آثار موجود یاقوت پس از انقراض حکومت

عباسیان و خروج یاقوت از دربار خلیفه و در دوران آزادی وی نوشته شده و در آن زمان انتساب به عباسیان جرم و مذموم بوده است، فقط در سه اثر نام خلیفه و عبارت «المستعصمی» نیامده است که این امر هم حاکی از قدرشناسی یاقوت از خلیفه عباسی در رسیدن به قلعه رفیع هنر خوشنویسی است و هم نشان‌دهنده آنکه یاقوت متملق نبوده که با تغییر حکومت منفعل شود و از تملق برای رسیدن به مقاصد خویش استفاده کند؛

۳) به کار بردن «حامداً لله» و «نبیه» و «آله»، تقریباً به یک اندازه، نشان‌دهنده اعتقاد عمیق یاقوت به اسلام و لزوم تبعیت از خدا و رسول و آل رسول‌الله است و تا حدی، گرایش وی به مذهب تشیع را نشان می‌دهد.

در آثار ۶۴۵ق یاقوت، کلمه «آله» نیامده است؛ و در آثار سال ۶۶۱ق و پس از آن تا پایان عمر او، عبارت «آله» با پسوند «الطیبین» و «الطاهرین» به مرور افزوده شده که این جواب بسیاری از مسائل مذهبی و فکری مربوط به وی و حتی اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر اوست. اگر بپذیریم که او حتی پس از سقوط عباسیان نام خلیفه را در نسبت نام خود حذف نکرده و آن را به اختیار، نه اجبار و اکراه، به کار برده است، قطعاً می‌پذیریم که ذکر عبارت «آله الطیبین و الطاهرین» نیز بدون هیچ گونه اجبار و اکراه بوده است؛ و این نشان‌دهنده علاقه باطنی او به رسول اکرم (ص) و خاندان نبوت (ع) است. با وجود این، در سه اثر، علاوه بر «آل رسول»، «صحابه» نیز به کار رفته که ممکن است بیانگر مذهب رسمی او باشد.

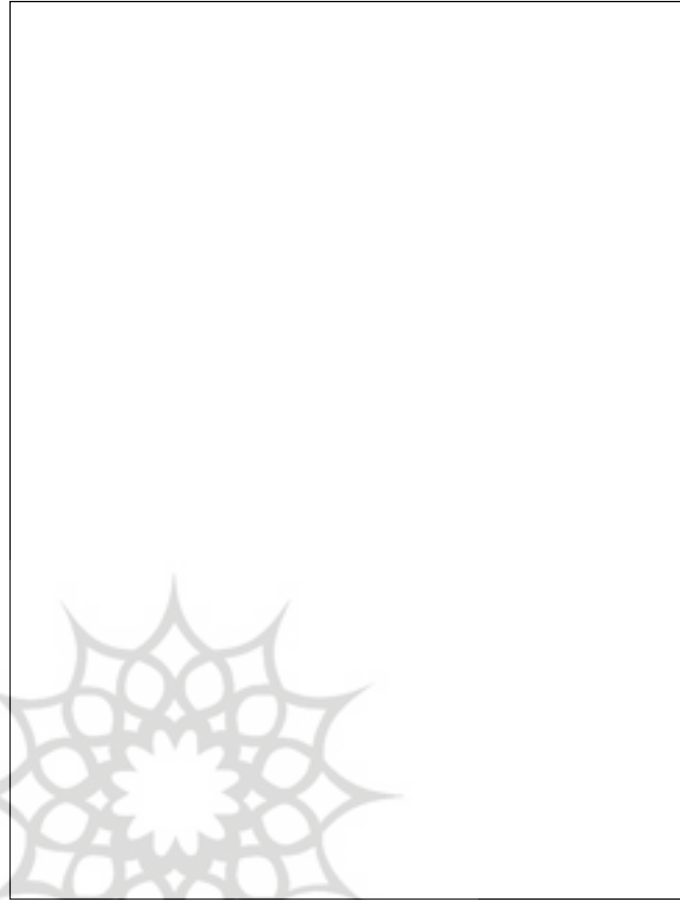
استفاده نادر از لقب «قبلة الكتاب» و کنیه «ابوالدر» حاکی از آن است که یاقوت به استفاده از آنها بی‌میل بوده و بیشتر دیگران این گونه القاب و کنیه‌ها را برای او به کار می‌برده‌اند. لذا ممکن است معدود آثاری که این القاب و کنیه‌ها در آنها آمده است مجعول باشد.

همه کسانی که درباره یاقوت نوشته‌اند به مهارت و توانایی او در ادبیات و سرودن شعر اشاره کرده‌اند. ابن‌فوطی می‌گوید: «او را اشعاری نیکوست که همه اوصافی که در جمیع اشعار پراکنده است در

خیال ۶

تابستان ۱۳۸۲ فصلنامه فرهنگستان هنر

۷۴



شعر او جمع است؛ و ابن شاکر می‌نویسد: «شعر رقیق می‌سرود»؛ و ابن کثیر می‌گوید: «او را شعری رایق است.» صقاعی می‌نویسد: «به ادبیات نیز اشتغال ورزید و در خوشنویسی و ادب و نثر و نظم و فنون ادب مشهور شد»؛ و ابن شاکر گفته است: «ادیب، عالم، فاضل و شاعر بود.» علاوه بر معاصرانش، متأخران به توانایی و مهارت او در شعر و ادب اشاره کرده‌اند.^{۲۰}

(۲۰) صلاح‌الدین منجد، «یاقوت مستعصمی»، ص ۱۱۳-۱۱۵ و ۱۱۸.

میرزا حبیب‌الله اصفهانی در تذکره خط و خطاطان و عالی‌افندی در مناقب هنروران و مرحوم فضایی در اطلس خط نمونه‌هایی از

اشعار یاقوت را آورده‌اند.^{۲۱} صلاح‌الدین منجد نیز در حدود ۵۰ بیت از اشعار او را از منابع مختلف گردآورده و مناسبت سرودن برخی از آنها را هم نوشته است.^{۲۲}

میرزاحبیب‌الله اصفهانی شش بیت از اشعار یاقوت را آورده و آنها را ترجمه کرده است:

أرونی مُرشدًا فی الخطِّ مثلی / و من أحیا الكتابة فی البلاد
فلا فی الشرق لی ضدُّ یضاهی / و لا فی الغرب من بیغی اجتهادی^{۲۳}

و قد أبدعتُ خطأً لم تنله / سرأةً بنی الفرات و لا ابن مقله
فإن کانت خطوطُ الناس عیناً / فخطی فی عیون الخطِّ مقله^{۲۴}

و لی فرسٌ تجری بمیدان فضةً / تجر أذیالاً کلون الخنابس
فیرکبها یوم العریک ثلثةً / محجلةً میشی کمشی العرایس^{۲۵}

(به من نشان دهید چه کسی کتابت در بلاد زنده کرد. نه در شرق [کسی] می‌تواند با من برابری کند و نه در غرب [کسی] می‌تواند به درجهٔ اجتهاد من برسد. من خطی را ابداع کردم که حتی نه اقوام بنی‌فرات و نه ابن مقله هم بدان نرسیدند. هر گاه خطهای مردم چشم می‌داشت، خط من در آن چشمان به منزلهٔ سیاهی بود. من اسبی دارم که حرکت می‌کند در میدانی از نقره و دامن‌کشان می‌رود مانند رنگ خنابس [(شب سخت تاریک)]؛ در میدان نبرد و معرکه، سه زیبای حجله‌نشین بر آن سوار می‌شود و حرکت می‌کند و مانند عروسان راه می‌سپارد).^{۲۶}

نکتهٔ دیگر آشنایی یاقوت با موسیقی است. ابن فضل‌الله عمری در *مسالك الابصار فی ممالک الامصار* شرح حال یاقوت را در طبقهٔ مغنیان آورده است که این حاکی از آن است که یاقوت موسیقی‌دان نیز بوده است.^{۲۷} بعلاوه، چون استاد اصلی یاقوت در خط صفی‌الدین ارموی، بزرگ‌ترین موسیقی‌دان آن عصر، بوده است؛ طبیعی است که شاگردی چون یاقوت نیز در موسیقی دستی داشته باشد.

(۲۱) حبیب‌الله اصفهانی، تذکرهٔ خط و خطاطان، ص ۶۵؛ مصطفی عالی افندی، مناقب هنروران، ص ۳۸-۳۹؛ حبیب‌الله فضایی، اطلس خط، ص ۳۱۱-۳۱۳.

(۲۲) صلاح‌الدین منجد، «یاقوت مستعصمی»، ص ۱۱۸-۱۲۱.

(۲۳) همان، ص ۱۱۹.

(۲۴) عبدالحی بن‌احمد بن‌عماد، *الشذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، (بیروت، مکتب التجاری)، ج ۵، ص ۴۴۳.

(۲۵) حبیب‌الله اصفهانی، تذکرهٔ خط و خطاطان، ص ۲۵.

(۲۶) همان، ص ۶۵.

(۲۷) احمد بن یحیی بن فضل‌الله عمری، *مسالك الابصار فی ممالک الامصار*، به تصحیح فؤاد سزگین و دیگران، (فرانکفورت، معهد تاریخ العلوم العربیة و الاسلامیة، ۱۹۸۸م).

بیشتر مشاغل یاقوت مرتبط با هنر خوشنویسی بوده است. همان گونه که گفتیم، یاقوت پس از سقوط عباسیان به خدمت خاندان جوینی درآمد و در دستگاه وزرای هلاکو دارای مقام و منزلت شد و به فرزندان وی و برادرزاده‌اش نیز خوشنویسی آموخت؛ و بعلاوه، به کتابت قرآن پرداخت.^{۲۸}

آثار فراوانی که امروزه از او وجود دارد یا منسوب به اوست گواه این بخش از فعالیت اوست. دربارهٔ علاقه یاقوت به خوشنویسی حکایت فراوان است؛ از جمله حکایتی که قاضی میراحمد منشی قمی در گلستان هنر آورده است:

حکایت مشهور است که در وقتی که هلاکوخان بغداد را گرفت و لشکر مغول به شهر ریختند، یاقوت به مناره‌ای گریخت و در آنجا دوات و قلم همراه داشت و کاغذ مشق نداشت. رومالی از جنس متقال بعلبکی با خود داشت، حرفی چند در آن نوشته بود که عقل را از دیدن آن حروف حیرت دست می‌داد؛ و آن پارچه‌نوشته در کتابخانهٔ نواب غفران پناه، ابوالفتح بهرام‌میرزا، بردالله مَضَجَّه، بود. والد ماجدم، میرمنشی، رُوحِ الله روحه و عَطَّر به نسیم الغفران مَضَجَّه، نقل می‌فرمود «که کافی مسطح بر آنجا نوشته بود که فی‌الواقع حمل به سحر و اعجاز می‌توان نمود.» بعضی دیگر نقل کردند که بی‌قلم، با انگشت سبابه، بر آن رومال نقش کرده و این شهرت تمام دارد. گویند که در همان روز که یاقوت در مناره جای بسته بود، یکی از یاران و شاگردان او به بالا آمد و گفت: «چه نشسته‌ای که لشکر مغول بغداد را قتل و غارت کرد و تمام شهر خراب شد!» یاقوت گفت: «غم نیست، چرا که کافی نوشته‌ام که بر تمام عالم می‌ارزد!»^{۲۹}

در دورهٔ پس از ابن‌بواب و پیروان او، یاقوت مستعصمی معروف‌ترین خوشنویسان است؛ و در خط ثلث و نسخ، خوشنویسان بعد از او اهمیت چندانی نیافته‌اند. با ظهور یاقوت، باب دیگری در حسن خط مفتوح گردید.^{۳۰} دربارهٔ زیبایی و قوت خط وی همین بس که بسیاری از صاحب‌نظران متقدم و متأخر از جهاتی خط او را بر خط ابن‌بواب ترجیح داده‌اند. یاقوت در خطوط شش‌گانه استاد مسلم بود؛ و

۲۸) حبیب‌الله فضایی، اطلس خط، ص ۳۱۴؛ مصطفی عالی افندی، مناقب هنروران، ص ۱۲۳؛ محمد بن خاوندشاه میرخواند، حبیب‌السیر، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، (تهران، کتاب‌فروشی خیام)، ج ۴، ص ۲، ص ۳۳۶؛ صلاح‌الدین منجد، «یاقوت مستعصمی»، ص ۱۱۲ و ۱۱۴.

۲۹) قاضی میراحمد منشی قمی، گلستان هنر، ص ۲۰-۲۱. همین حکایت را دربارهٔ ابن‌مقله نقل کرده‌اند. غلو عبارات نشان دهندۀ واقعی نبودن این حکایت است؛ ولی توجه و علاقهٔ وافر خوشنویس را به هنر خط می‌رساند.

۳۰) حبیب‌الله فضایی، اطلس خط، ص ۳۱۳.

اکثراً معتقدند که او خط ثلث و ریحان را از بقیه خطوط استادانه تر می نوشته است.^{۳۱}

از چیزهایی که به یاقوت نسبت می دهند، خط منسوب است. خط منسوب خطی خاص نیست؛ بلکه هر نوع خطی است که در آن، هر حرف بر حسب نسبتی با دیگر حروف کتابت شود و حروف با یکدیگر تناسب داشته باشد؛ و یاقوت در نوشتن همه خطوط از قاعده خط منسوب پیروی می کرده است.^{۳۲} «نسبت» از اصول دوازده گانه خوشنویسی و جزو جمال شناسی خوشنویسی است؛ و در واقع، فواصل بین حروف، به خصوص در بین حروف منفصل، مثل الف و لام و دال و راء، و طرز اتصال بعضی از حروف به حروف دیگر یا قرارگرفتن در کنار یکدیگر است. به گمان نگارنده، به جز رعایت نسبت، خط نسخ یاقوت از چنان قوت و ویژگی ای برخوردار است که او را از بقیه خوشنویسان متمایز می کند. آنچه اکنون به غلط «نسخ عربی» یا «نسخ ترکی» می نامند همان «نسخ یاقوتی» است؛ یعنی یاقوت خط نسخ را به چنان کمالی رساند که پس از آن، به آن شیوه، چیز معتابھی افزوده نشد؛ و به جرئت می توان گفت که خط نسخ یاقوت هنوز هم جزو برترین خطوط است. چون یاقوت بیش از نیمی از آثار خود را به خط نسخ نوشته است، می توان گفت که تسلط او بر نسخ بیشتر بوده است. شاید بتوان گفت که رگه هایی از خط نسخ یاقوت در «نسخ فارسی» دیده می شود: طرز نگارش یاقوت زمینه ساز پیدایش خط نسخ به شیوه نیریزی شد که به خط «نسخ فارسی» مشهور است. تا قبل از یاقوت، در حدود شانزده نوع خط رواج داشت؛ ولی با ظهور یاقوت، خطوط متنوع اسلامی محدود و ثابت گردید و اقلام مختلف در زمان او به شش خط منحصر و همانها متداول شد: نسخ، ریحان، ثلث، محقق، توقیع، رقع.^{۳۳}

از دیگر کارهای یاقوت وضع اصول هشت گانه خط است که به شعر در آورده است:

اصول و ترکیب کراس و نسبة
صعود و تسمیر نزول و ارسال^{۳۴}

(۳۱) قاضی میراحمد منشی قمی، گلستان هنر، ص ۱۵ و ۱۹؛ حبیب الله اصفهانی، تذکره خط و خطاطان، ص ۲۷؛ صلاح الدین منجد، «یاقوت مستعصمی»، ص ۱۱۴، به نقل از ابن کثیر؛ مارتین لینگر، هنر خط و تذهیب قرآنی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، (تهران، گروس، ۱۳۷۷)، ص ۵۴؛ حبیب الله فضایی، اطلس خط، ص ۳۱۴؛ محمد علی سلطانی، «قبله کتاب: یاقوت مستعصمی»، ص ۲۴.

(۳۲) صلاح الدین منجد، «یاقوت مستعصمی»، ص ۱۱۸.

(۳۳) حبیب الله فضایی، تعلیم خط، ص ۲۱۳؛ حبیب الله فضایی، اطلس خط، ص ۳۱۴.

(۳۴) مصطفی عالی افندی، مناقب هنروران، ص ۴۳؛ قاضی میراحمد منشی قمی، گلستان هنر، ص ۲۰؛ حبیب الله اصفهانی، تذکره خط و خطاطان، ص ۶۶؛ حبیب الله فضایی، تعلیم خط، ص ۷۸.

از دیگر ابداعات منسوب به یاقوت بنای حروف به نقطه است که این را به ابن بواب نیز نسبت داده‌اند.^{۳۵} دیگر تفاوت یاقوت با متقدمان در شیوهٔ قَطُّ قلم است. قاضی میراحمد منشی نیز در گلستان هنر آورده است: «در قلم تراشیدن و قَطُّ زدن، تغییر روش استادان پیش داد. از اوست که نوک قلم را دراز بتراش و فربه مگذار و قَطُّ قلم محرف بزن و چون قلم بر کاغذ نهی آواز کند، مثل آواز شمشیر مشرقی.»^{۳۶}

از ویژگیهای مهم یاقوت پُرکاری و سرعت نوشتن بوده است. نسبت دادن کتابت هزار نسخه قرآن و روزانه هفتاد نفر را تعلیم دادن، اگر غلو هم باشد، دلیلی بر پُرکاری اوست. همچنین معروف است که در هر ماه دو مصحف می‌نوشت.^{۳۷}

تا آنجا که در منابع مضبوط است، از یاقوت هیچ قرآنی به تاریخ قبل از سال ۶۴۰ق وجود ندارد که تاریخ آن قابل اعتماد باشد: دو قرآن به تاریخهای

۵۸۴ق و ۶۰۴ق وجود دارد با امضای «یاقوت»، که قطعاً از آن «یاقوت»های دیگر است؛ دو قرآن نیز، که کتابتشان منسوب به یاقوت و مربوط به سالهای ۶۳۰ق و ۶۳۳ق است و نام مستعصم در آنها آمده، مسلماً نوشتهٔ یاقوت نیست، چون مستعصم در سال ۶۴۰ق به خلافت رسیده است. کتابت چهار قرآن نیز، که مورخ به سالهای ۶۴۰ق تا ۶۵۶ق است، منسوب به یاقوت است. او در این سالها در دربار خلیفه بوده است. بقیهٔ قرآنهای موجود منسوب به وی مورخ به سالهای بعد از ۶۵۶ق است. از این تاریخ تا تاریخ وفات یاقوت، در حدود ۴۲ سال فاصله است. اگر بپذیریم که او در این سالها هر ماه دو مصحف کتابت می‌کرده است، بایستی در مجموع، ۱۰۰۸ مصحف کتابت کرده باشد که این به عدد ۱۰۰۱ مصحف بسیار نزدیک است؛ و برخی گفته‌اند که تا ۳۶۴ مصحف به خط یاقوت دیده‌اند. نوشتن این تعداد مصحف با

(۳۵) حبیب‌الله فضایی، تعلیم خط، ص ۲۲۸.

(۳۶) قاضی میراحمد منشی، گلستان هنر، ص ۱۹؛ حبیب‌الله اصفهانی، تذکرهٔ خط و خطاطان، ص ۲۰۹.

(۳۷) محمدعلی سلطانی، «قبلة الكتاب: یاقوت مستعصمی» ص ۱۴.

سرعت زیاد ممکن است، ولی با دقت ممکن نیست؛ به خصوص آنکه آثار یاقوت از دقت کافی، که ناشی از وقوف و تمرکز است، برخوردارند و در آنها، خیلی از سرسوره‌ها مطلاً و قلم‌گیری شده که نیاز به زمان کافی دارد.

طبقه‌بندی آثار یاقوت

آثار کتابت‌شده منسوب به یاقوت را می‌توان از جنبه‌های مختلف طبقه‌بندی کرد. آثاری که بنده و جناب آقای امین نعیمایی درباره آنها اطلاعاتی به دست آورده‌ایم شامل بیش از ۶۰ نسخه قرآن و در حدود ۴۰ کتاب و مرقع و قطعه است؛ و بیش از ۱۰ اثر نیز، به دلیل فقدان سند، در آمارهای مذکور لحاظ نشده است.

قرآن

— از قرآنهای مذکور، در حدود ۵۰ نسخه کامل است و بقیه از چند برگ تا چند سوره را شامل می‌شود.

— به لحاظ پراکندگی آثار، ۲۱ نسخه در موزه‌ها و کتابخانه‌های ایران و ۱۳ نسخه در موزه‌ها و کتابخانه‌های ترکیه و ۳ نسخه در عراق و ۴ نسخه در مصر و ۳ نسخه در چستر بیٹی^{۳۸} دویلین و ۵ نسخه در امریکا و فرانسه و انگلیس نگهداری می‌شود و محل نگهداری ۱۳ نسخه نیز نامعلوم است.

— تاریخ کتابت قدیمی‌ترین نسخه‌های منسوب به یاقوت مستعصمی ۵۸۴ق و ۶۰۴ق است، که اینها قطعاً از او نیست. دیگر نسخه‌ها مورخ به سالهای ۶۳۰ق تا ۶۹۶ق است. بیشتر آثار (۵ نسخه) مورخ به سال ۶۸۱ق و سپس سال ۶۸۵ق (۴ نسخه) است و ۲ یا ۱ نسخه مورخ به سالهای دیگر است.

— به لحاظ نوع خط، ۴۱ نسخه به خط نسخ و ۱۰ نسخه به خط ثلث و ۵ نسخه به خط ریحان و ۱ نسخه به خط محقق است و خط ۱۵ نسخه دیگر نامشخص است. بسیاری از آثار یاقوت حداقل با دو خط ثلث و نسخ نوشته شده است.

— خط سرسوره‌ها در ۲۰ نسخه ثلث و در چند نسخه اندک، محقق و

38) Chester Bitty

رقاع و کوفی و، در اکثر نسخه‌ها، نامشخص است.

— ۳۹ نسخه، تعداد اوراق مشخص شده و در نسخه‌های دیگر، تعداد اصل اوراق نامشخص است؛ ولی در مجموع، تا حدود ۵۰ نسخه را می‌توان کامل فرض کرد.

— ۴۰ نسخه امضای کامل دارد و امضای ۱۲ نسخه مختصر است و امضای بقیه نسخه‌ها نامشخص است.

— از لحاظ صحت انتساب، احتمالاً، تا بیست درصد آثار منسوب از آن یاقوت نیست؛ و خصوصاً درباره آثار فاقد رقم و تاریخ تردید بیشتر است.

— اندازه و قطع ۳۴ نسخه مشخص و بقیه نامشخص است؛ و به نظر می‌رسد که قطع اغلب آنها وزیری باشد.

— اغلب آثار جلد دارد و احتمالاً جلد آنها جدید و ترمیمی است.

— عموم نسخه‌هایی که خود یا تصویرشان دیده شده پس از وفات یاقوت، در قرون نهم و دهم هجری قمری، تذهیب و تزیین شده است. لذا از روی تزیینات نمی‌توان درباره صحت انتساب آنها اظهار نظر قطعی کرد.

آثار دیگر

مشخصات آثار غیر قرآنی منسوب به یاقوت چنین است :

— کتابت منسوب به یاقوت ۴۵ نسخه، سایر آثار ۱۱ نسخه؛

— در ایران، ۱۰ اثر و در ترکیه، ۱۲ اثر و در مصر، ۲ اثر و در دیگر کشورها، ۱۳ اثر نگهداری می‌شود و محل نگهداری دیگر نسخه‌ها نیز نامشخص است؛

— ۱۷ نسخه تاریخ دارد که قدیمی‌ترین آنها به سال ۶۵۲ق و آخرین آنها به سال ۶۹۶ق است و، در سالهای ۶۸۱ق و ۶۸۲ق، بیشترین آثار نوشته شده است؛

— به غیر از ۱۴ نسخه، که به خط نسخ و ثلث است، نوع خط اکثر نسخه‌ها نامشخص است؛

— در ۱۷ نسخه، تعداد اوراق مشخص است و از تعداد اوراق دیگر

نسخه‌ها اطلاعی نداریم؛

— ۱۲ نسخه از کتابها امضای مشخص دارد؛

— احتمال جعلی بودن امضای سه نسخه زیاد است و امضای سایر

نسخه‌ها نیاز به بررسی دقیق و کارشناسی دارد؛

— قطع هیچ یک از این آثار مشخص و اعلام نشده است و از جلد و تزیینات آنها بی‌اطلاعم.

شایان ذکر است که تصاویری از برخی خطوط منسوب به یاقوت در چند منبع آمده است، ولی هیچ گونه اطلاعی دربارهٔ مشخصات نسخه و محل نگهداری آن نیامده است. لذا این گونه آثار را به حساب نیاورده‌ایم. این نقایص حتی شامل برخی از آثار می‌شود که در کتابخانه‌ها و موزه‌ها و دیگر مراکز معتبر وجود دارد؛ و به همین سبب، متأسفانه نمی‌توان از این آثار به خوبی بهره گرفت. دربارهٔ شاگردان یاقوت هم اتفاق نظر نیست. با توجه به اینکه قرن هفتم هجری قمری از درخشان‌ترین دوره‌های هنر اسلامی، به خصوص خوشنویسی، بوده است و با توجه به کثرت استادانی که ستهٔ اقلام و خطوط را به زیبایی و استادی می‌نوشته‌اند^{۳۹} و نیز چون یاقوت شهرت جهانی‌گیر یافته بود، بسیاری از همعصرانش و کسانی که به یک یا دو واسطه شاگردش بوده‌اند شاگرد بی‌واسطهٔ او قلمداد شده‌اند. بعلاوه، شش نفر به عنوان شاگردان ستهٔ یاقوت شهرت یافته‌اند که هر یک در نوعی از خط صاحب شأن و توان ویژه‌ای بوده است؛ و البته شاگردان واقعی یاقوت که در حد استادی بوده‌اند قطعاً بیش از شش نفرند. جالب آنکه در منابع افراد مختلفی جزو این شش نفر ذکر شده‌اند. با عنایت به آنچه بیان شد، در منابع مختلف، بیش از سی نفر شاگرد بلاواسطهٔ یاقوت خوانده شده‌اند؛ از جمله: شیخ‌زاده احمد سهروردی؛ ارغون بن کاملی؛ نصرالله طیب (نصر قندهاری)؛ مبارک‌شاه زرین‌قلم؛ ملایوسف مشهدی خراسانی؛ سیدحیدر جلی‌نویس (گنده‌نویس)؛ ناصرالدین مطبب؛ مولانا عبدالله صیرفی؛ مولانایحیی صوفی؛ مولانامبارک‌شاه سیوفی نیشابوری؛ احمد طیب‌شاه؛ حاجی محمد بنددوز سیستانی؛ پیرمحمد صوفی؛ شیخ اسحاق سبزواری؛ علی بن

۳۹) حبیب‌الله فضایی، اطلس خط، ص ۳۱۶.

علاءالدین جوینی؛ عبدالله بن مسعود اصفهانی؛ نجم‌الدین بغدادی؛ خلیفه مستعصم عباسی؛ عبدالله طباطبائی؛ علامه عبدالوهاب زنجانی؛ علی بن عیسی کردی؛ محمد بن مسعود ابهری؛ سلیمان بن احمد سلمی؛ نجم فارابی؛ سیدشرف‌الدین شیرازی؛ سلیمان سلمی نیشابوری؛ ابوجعفر احمد بن ابراهیم.^{۴۰}

به استناد منابع موجود، برخی از اینان نه شاگردان یاقوت، که از شاگردان شش شاگرد برجسته او و نیز از پیروان وی و برخی نیز معاصر و هم‌دوره او بوده‌اند؛ و با توجه به تاریخ ولادت و وفات بعضی از ایشان، احتمال شاگردی آنان در نزد یاقوت ضعیف است. به هر تقدیر، بی‌شک، عدهٔ شاگردان یاقوت بسیار زیاد بوده است؛ و همینان سبب گسترش شیوهٔ یاقوت در سراسر بلاد اسلامی شدند. سخن از شاگردان یاقوت و اثر آنان در خوشنویسی در این مجال نمی‌گنجد؛ ولی مسلم آن است که بعضی از شاگردان یاقوت در نگارش بعضی از خطوط از او فراتر رفتند و آثار ارزشمندی پدید آوردند؛ از جمله: عبدالله صیرفی، در خط نسخ؛ عبدالله ارغون، در خط محقق؛ یوسف صوفی، در کتابت ثلث؛ مبارک‌شاه قطب، در خط توقیع؛ مبارک‌شاه سیوفی، در خط ریحان؛ شیخ احمد سهروردی، در خط رقاع و نسخ جلی؛ میرزا حیدر گنده‌نویس، در خطوط جلی.

مرگ و محل وفات و مدفن یاقوت

در بارهٔ مرگ یاقوت یکی دو منبع اشارات مختصر دارند. در تذکرهٔ خط و خطاطان آمده است: یاقوت در هشتادسالگی در بغداد رحلت کرد و در همان لباسی که خودش با خطوط و الواح آراسته بود مدفون گردید.^{۴۱} گفته‌اند که یاقوت در شهر بغداد وفات یافته و در همان جا، در جوار قبر احمد بن حنبل، دفن شده است.^{۴۲}

یاقوت در آثار شعرا

تأثیر یاقوت در جامعهٔ هنری عصر خویش و حتی اعصار بعد به حدی بود که خود و مرتبه‌اش در میان عموم طبقات، بالاخص علما و

۴۰) مصطفی عالی افندی،

مناقب هنروان، ص ۱۲۰؛ قاضی

میراحمد منشی قمی،

گلستان هنر، ص ۲۱-۲۲؛

حبیب‌الله اصفهانی، تذکرهٔ خط و

خطاطان،

ص ۶۶-۲۱۱؛

آنه‌ماری شمیل، خوشنویسی و

فرهنگ اسلامی، ص ۵۰-۵۱؛

صلاح‌الدین منجد،

«یاقوت مستعصمی»، ص ۱۲۲.

۴۱) حبیب‌الله اصفهانی، تذکرهٔ

خط و خطاطان، ص ۶۶.

۴۲) قاضی میراحمد منشی قمی،

گلستان هنر، ص ۲۱؛ حبیب‌الله

فضایلی، اطلس خط، ص ۳۱۴.

دانشمندان رشته‌های مختلف، شناخته شده بود. به همین سبب، بسیاری از شعرا و ادبای معروف در مدح او و در توصیف و بیان ارزش خط او سخن گفته و او را ستایش و تمجید کرده‌اند. خانم آنه‌ماری شیمل^{۴۳} در خصوص کنایه‌های شعرا درباره نام خطاطان بزرگ می‌نویسد:

مشهورتر از این، صورت خیال به نسبت رمزواره، کنایه‌هایی است که بنام استادان خوشنویسی، ابن‌مقله، ابن‌بواب و یاقوت، اشارت دارد — کسانی که نامشان، چون چهره‌هایی از قرآن یا شاهنامه، در فهرست نمایشهای نویسندگان زیر نفوذ ایران تثبیت شده است. شاعران از این بخت برخوردارند که می‌توانند نامهای ابن‌مقله را «پسر تخم چشم» و ابن‌بواب را «پسر دربان» یا، بر حسب نام دیگرش، ابن‌هلال، «پسر هلال» معنا و تفسیر کنند؛ در حالی که یاقوت به معنی «سرخ‌سنگ قیمتی» است. این نکته‌های ویژه با جناسهای کلی مربوط به «خط»، که به معنای اثر قلم و نیز موی نورسته بر روی نوجوانان است، در هم آمیخته شد.^{۴۴}

در پایان، تعدادی از اشعاری را که شعرای پارسی‌گوی درباره یاقوت سروده‌اند می‌آوریم. شاعری درباره ارزش خط یاقوت چنین سروده است:

خط یاقوت را آنها که دیدند
 از آن سطری به یاقوتی خریدند
 اگر یاقوت این خط را بدیدی
 از این حرفی به یاقوتی خریدی^{۴۵}
 و جامی نیز درباره خط یاقوت چنین سروده است:
 شد نسخ خط یاقوت اکنون همه رعناپان
 تعلیم خط از لعلت گیرند به مکتبها
 و این بیت نیز از اوست:
 با مشک خطا کاتب صنع از خط یاقوت
 خوش بر لب لعل تو نوشته است که یاقوت^{۴۶}

43) Annemarie Schimmel
 (1923-2003)

(۴۴) آنه‌ماری شیمل،
 خوشنویسی و فرهنگ اسلامی،
 ص ۱۷۳.

(۴۵) همان، ص ۱۷۴؛ حبیب‌الله
 فضایی، اطلس خط، ص ۳۱۶.

(۴۶) محمدعلی سلطانی، «قبلة
 الكتاب: یاقوت مستعصمی»،
 ص ۱۸.

خیال ۶

تابستان ۱۳۸۲ فصلنامه فرهنگستان هنر

۸۳

۴۷) همان جا.

۴۸) حبیب‌الله فضایی، اطلس خط، ص ۳۱۶.

۴۹) ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، تاریخ خط و خطاطان، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵)، ص ۸۱؛ مصطفی عالی افندی، مناقب هنروران، ص ۳۸.

امیر خسرو دهلوی می گوید:

جانا محقق است که جز کاتب ازل
بر برگ لاله‌ات ننوشت از غبار خط
یاقوت جوهر دهنه آب زندگی است
کز وی مدام زنده بود خضروار خط

سواد خط تو یاقوت اگر دهد دستش
بر آفتاب به خط غبار بنویسد
فلک چو قصه منصور بشنود خسرو
به خون سوخته بر پای دار بنویسد^{۴۷}
قره حصاری درباره شیوه یاقوت گفته است:
کاملی باید که دریابد اصول خط نیک
ور نه هر ناقص نداند شیوه یاقوت چیست^{۴۸}

و درباره تاریخ وفات یاقوت گفته‌اند:

یاقوت جمال دین^{۴۹} شه اهل هنر
در صبح خمیس سادس شهر صفر
فی سبع و ستین بود و ستمائه
کز دار فنا به آخرت کرد سفر^{۴۹}

گرچه بنا به ضبط اغلب منابع و شواهد و قراین دیگر، تاریخ وفات وی ۶۹۸ ق است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی